

## تحریفات جدید استالینیست ها

سال پیش هوچیگری جدیدی از جانب مسکو به راه افتاد که نقل محافل شد، مبنی بر این که لنین تروتسکی را «یهودا» خطاب کرده بوده است. اما کی؟ کجا؟ چرا؟ استالینیست‌های اروپا در بدایت امر کمی معذب بودند که در چشم کارگران پیشرو نگاه کنند و چنین مهملات کثیفی را به زبان بیاورند. اما وقتی شکست پرولتاریای آلمان هم به دیگر جرم‌هایشان اضافه شد (این بار وحشتناک‌ترین همه‌ی جرایم)، وقتی این هم به فهرست شاهکارهای بوروکراسی استالینیستی اضافه شد، مجبور بودند به زمخت‌ترین ابزارها متوسل شوند. این جا بود که با بسامدی روزافزون هوچیگری را درباره‌ی یک «یهودا» آغاز کردند.

اما منشأ این کلمه چه بود؟ دو سال پیش از جنگ، در یکی از لحظات حساس مبارزه در تبعید، لنین با عصبانیت در یادداشتی تروتسکی را «یودوشکا» خطاب کرد. هر کسی که حتی اندک آشنایی با ادبیات روسیه داشته باشد می‌داند که «یودوشکا» (گولوف) یک شخصیت داستانی است، قهرمان طنزپرداز روس، «سالتیکیوف شچردین». در مبارزه‌ی آن روزها در تبعید، می‌شد در تقریباً هر مقاله‌ی جدلی «کنایه»‌ای برگرفته از اثر سالتیکیوف یافت. در این مورد مشخص حتی مقاله‌ای هم در کار نبود، بلکه یادداشتی بود در لحظه‌ی عصبانیت. به هر حال یودوشکا گولوف به هیچ وجه ربطی به «یهودا»ی انجیل ندارد.

در ارتباط با اغراق کردن‌های اجتناب‌ناپذیر در نامه‌های جدلی‌نن، استالین که اکتبر ۱۹۱۷ جانب زینوویف و کامنف را گرفته بود، سال ۱۹۲۴ نوشت:

«لنین گاهی عامدانه در نامه‌هایش پیش‌دستی می‌کند، اشتباهاتی که ممکن است رخ دهند گوشزد می‌کند، این اشتباهات را با هدف هشدار به حزب و مصونیت بخشیدن به آن نقد می‌کند یا گاهی هم موضوعات پیش‌پاافتاده را بیش از حد بزرگ می‌کند و "از گاه کوه می‌سازد"، باز هم با همان هدف آموزشی ... این که از چنین نامه‌هایی (که تعدادشان هم کم نیست) به نتیجه‌ی اختلافات نظر "تراژیک" برسیم و بر سر آن قیل و قال به راه بیندازیم، به معنی نفهمیدن نامه‌های لنین و نشناختن لنین است» (تروتسکیزم یا لنینیزم؟- ۱۹۲۴)

نتیجه‌گیری‌های استالین که توجیه بسیار بدی برای رفتار کامنف و زینوویف در اکتبر ۱۹۱۷ است (در آن مقطع مسأله‌نه‌یک امر «پیش‌پاافتاده» بود و نه «گاه»)، ناگزیر می‌تواند به‌طور کامل در مورد رویدادهای پیش‌پاافتاده‌ای هم مصداق پیدا کند که منجر به یادداشت‌لنین در تبعید در باره‌ی یودوشکا گولوف شود.

این که لنین در سال‌های مهاجرت رویارویی‌های تندی با تروتسکی داشت، بر کسی پوشیده نیست. اما همه‌ی این‌ها تنها چند سال تا پیش انقلاب اکتبر و جنگ داخلی و ساخت و ساز دولت شورایی و بنیانگذاری انترناسیونال کمونیست بود. روابط حقیقی‌لنین و تروتسکی در اسناد بعدی و معتبرتر از یک یادداشت جدلی در تبعید، مکتوب شده است. افترا زنده‌های ماهر با جلو انداختن قیاس من با «یهودا» در بحث، چه می‌خواهند بگویند؟ این که لنین به

لحاظ سیاسی به تروتسکی اعتماد نداشت؟ یا این که به لحاظ اخلاقی به او اعتماد نمی کرد؟ از صدها سخن لنین به دو یا سه مورد اشاره می کنیم:

۱ نوامبر ۱۹۱۷، لنین در جلسه ای در کمیته ی حزب در پتروگراد گفت:

«حتی نمی توانم جدی در موردش صحبت کنم. تروتسکی خیلی وقت است که گفته وحدت (با منشویک ها) غیرممکن است. تروتسکی موضوع را درک کرده و از آن پس هیچ بلشویکی بهتر از او نیست».

در روزهای جنگ داخلی، وقتی تروتسکی خود به تنهایی می بایست تصمیماتی در ابعادی فوق العاده مهم می گرفت، لنین بنا به ابتکار خود یک صفحه کاغذ سفید به دست او داد که در انتهایش چنین نوشته بود:

«رفقا! با سختگیری در فرمان های رفیق تروتسکی آشنا هستیم. اما من چنان به صحت و فوریت و ضرورت فرمان صادره ی رفیق تروتسکی باور دارم که تماماً از آن حمایت می کنم. و. اولیانوف لنین».

نخستین نقل قولی که در بالا اشاره شد یک ارزیابی سیاسی به اندازه ی کافی روشن به دست می دهد و دومی درجه ی اطمینان اخلاقی را آشکار می کند. به زحمت لازم است که به ده ها نقل قول دیگر از مقالات و سخنرانی های لنین ارجاع داده شود که در آن ها نظرش را راجع به تروتسکی بیان می کند، و یا یکبار دیگر مکاتبات میان لنین و تروتسکی درباره ی مسأله ی ملی یا مسأله ی انحصار تجارت خارجی آورده شود. ما تنها خود را به یادآوری نامه ای از ن. ک. کروپسکایا، شریک زندگی لنین در طول سال های متمادی، محدود می کنیم که تنها چند روز بعد از مرگ لنین خطاب به تروتسکی نوشته شد:

«لی یف داویدویچ عزیز: این نامه را می نویسم تا برایت بگویم که چه طور ولادیمیر ایلیچ تقریباً یک ماه پیش از مرگ، موقع خواندن کتابت وقتی به

پاراگرافی رسید که مارکس و لنین را توصیف کرده بودی متوقف شد و از من خواست که دوباره پاراگراف را برایش بخوانم. چه قدر با دقت به آن گوش داد و بعد خودش دوباره آن را خواند. یک چیز دیگر که می خواهم به تو بگویم: احساسات لنین نسبت به تو زمانی که از سیبری نزد ما در لندن آمدی تا روز مرگش تغییری نکرد. برای تو، لی یف داویدویچ، آرزوی تن درستی و سلامتی دارم و به گرمی به آغوشت می گیرم- ن. ک. کروپسکایا».

عمال خشک مذهب استالین اگر مسأله ی اعتماد اخلاقی را علم نمی کردند، محتاطانه تر رفتار کرده بودند.

لنین زمانی که در بستر بیماری بود از تروتسکی خواست که با استالین توافق نکند: «استالین دست به یک مصالحه ی فاسد می زند و بعد فریب می دهد». لنین در وصیتنامه ی خود خواهان عزل استالین از مقام دبیر کلی شد و انگیزه ی خود را عدم وفاداری استالین عنوان می کرد. نهایتاً آخرین سندی که لنین روز قبل از دومین سکتی ی خود دیکته کرد، نامه ای بود به استالین که در آن «تمامی روابط فردی و رفیقانه» اش را با او قطع کرد.

این ها کفایت خواهد کرد آقایان بهتان گو؟

لنون تروتسکی  
۱۹۳۳

### ترجمه: آرام نوبخت

منبع: آرشیو مارکسیست ها در اینترنت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۵